



ریشه‌های خشونت‌گرایی در شامات از سال 2014 الی 2019 (با تکیه بر عوامل مذهبی)

فرزاد محمدی^۱

رحیم خستو^۲

سعید مقیمی^۳

چکیده

این پژوهش به بررسی ریشه‌های پیچیده خشونت در منطقه شامات (سوریه، عراق و لبنان) در بازه زمانی ۲۰۱۹-۲۰۱۴ می‌پردازد، البته با تأکید ویژه بر نقش کلیدی عوامل مذهبی و ایدئولوژیک. خشونت در غرب آسیا، ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به تأثیر عمیق مذهب و ایدئولوژی اشاره کرد. سعی شده است که با بررسی فضای فکری گروه‌های تکفیری و خشونت‌گرا، به تحلیل چگونگی استفاده از تفسیرهای افراطی از مفاهیم دینی، نظیر جهاد و خلافت و همچنین تقابل‌های فرقه‌ای میان سنی و شیعه، برای مشروعیت بخشی به خشونت بپردازیم. علاوه بر این‌ها، نقش ایدئولوژی‌های سیاسی و مذهبی در بسیج نیروها و توجیه اقدامات خشونت‌آمیز، مورد بررسی قرار می‌گیرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که ضعف دولت‌های ملی، مداخلات خارجی و بحران هویت، بستری مناسب برای رشد این گفتمان‌ها فراهم کرده است. همچنین، شرایط محلی مانند فساد سیاسی، سرکوب مذهبی و بحران‌های اجتماعی نیز به تقویت این جریان‌ها کمک کرده‌اند. روش‌شناسی این مطالعه، توصیفی-تحلیلی است که با بهره‌گیری از منابع اولیه (مقالات، کتب) و ثانویه (رویدادها، تحولات میدانی) انجام شده است. این پژوهش، ارتباط میان ایدئولوژی و خشونت ساختاریافته را در

1- گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران Farzad.Mohammadi@iau.ir

2- گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. Khastu.ra@gmail.com

3- گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران moghimi@kia.ac.ir

ریشه‌های خشونت‌گرایی در شامات از سال 2014 الی 2019 (با تکیه بر عوامل مذهبی) /

محمدی - خستو - مقیمی

منطقه شامات روشن می‌کند و نشان می‌دهد که ترکیب عوامل مذهبی و ایدئولوژیک با تأثیرات فراملی و ساختارهای سیاسی ناکارآمد، به افزایش خشونت در این منطقه منجر شده است. نتایج حاکی از آن است که درک این تعاملات پیچیده، برای ارائه راه‌حل‌های پایدار و مؤثر در جهت کاهش خشونت و ایجاد صلح ضروری است.

واژگان کلیدی: خشونت‌گرایی، عوامل مذهبی، جنبش‌های اجتماعی، افراط‌گرایی، شامات

1. مقدمه و بیان مسئله

خشونت مذهبی یکی از پدیده‌های پیچیده و چندوجهی است که در طول تاریخ جوامع بشری نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری منازعات و کشمکش‌ها ایفا کرده است (Journal of Religion and Violence, 2013). این نوع خشونت، برخاسته از تفسیرها و تلقی‌های خاص و افراطی از آموزه‌های دینی است که می‌تواند به شکل مستقیم یا غیرمستقیم بر روابط اجتماعی، امنیت جهانی، ثبات سیاسی و حتی ساختارهای فرهنگی و اقتصادی جوامع تأثیرگذار باشد. د. با تأکید بر گونه‌های مذهبی خشونت‌گرایی، می‌توان دید که این رفتارها غالباً به دنبال تغییر ساختارهای سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیک به نفع گروه‌های افراط‌گرا هستند. در قرن بیست و یکم، خشونت مذهبی به شکل ویژه‌ای نمود یافته است. گروه‌های افراط‌گرای مذهبی نظیر داعش، بوکوحرام، القاعده، طالبان و نیروهای شبه‌نظامی وابسته به تفکرات افراطی، در مناطق مختلف جهان، به ویژه خاورمیانه، آفریقا و بخش‌هایی از جنوب آسیا، به فعالیت‌های گسترده تروریستی و مسلحانه پرداخته‌اند. خشونت‌های مذهبی نه تنها ساختارهای سیاسی و اجتماعی این مناطق را متزلزل کرده‌اند، بلکه تبعات گسترده‌ای همچون بحران‌های بشردوستانه، آوارگی گسترده، رکود اقتصادی و بی‌ثباتی منطقه‌ای به همراه داشته‌اند. ریشه خشونت مذهبی را می‌توان در ترکیبی از عوامل تاریخی، اجتماعی و سیاسی جستجو کرد. برخی محققان معتقدند که دین به‌خودی‌خود یک نیروی خشن نیست، اما تفسیرهای افراطی از آموزه‌های دینی، به ویژه در محیط‌های بحران‌زده و نابرابر، می‌تواند به خشونت مذهبی مشروعیت ببخشد.

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره 21، شماره 70، بهار 1404

(Harvard Divinity School, 2018). دو استدلال رایج برای نقش دین در خشونت مذهبی عبارت‌اند از: استناد به تاریخ دینی که در آن اشکال مختلف خشونت مذهبی مانند جنگ‌های صلیبی، جهادهای افراطی و سوزاندن مرتدان در گذشته دیده شده است؛ و استناد به تفسیر افراطی متون دینی که جنگ و خشونت را به عنوان ابزارهایی برای اجرای اراده الهی و تثبیت قدرت مشروع می‌کند. خاورمیانه، به‌عنوان قلب تپنده تمدن‌های باستانی و محل ظهور ادیان بزرگ، همواره صحنه تحولات و منازعات گوناگون بوده است. در قرن بیست و یکم، این منطقه بار دیگر در کانون توجه جهانی قرار گرفته است؛ اما این بار نه به دلیل شکوفایی تمدنی، بلکه به دلیل ظهور خشونت‌گرایی افراطی و جنگ‌های نیابتی. شامات، شامل کشورهای سوریه، عراق، لبنان و فلسطین، به‌ویژه در سال‌های 2014 تا 2019، شاهد فاجعه‌بارترین اشکال خشونت‌گرایی بوده است. صعود و سقوط داعش، جنگ داخلی سوریه و درگیری‌های فرقه‌ای در عراق، منطقه را به ویرانه‌ای تبدیل کرد و میلیون‌ها نفر را آواره ساخت. این خشونت‌ها نه تنها امنیت و ثبات منطقه را تهدید می‌کند، بلکه پیامدهای گسترده‌ای برای امنیت بین‌المللی نیز دارد. پدیده خشونت‌گرایی در شامات به تبعیت از کلیت خاورمیانه، موضوعی چندوجهی است که نیازمند بررسی دقیق و جامع است. در این پژوهش سعی می‌گردد تمرکز اصلی بر عوامل مذهبی قرار گیرد. مذهب، به‌عنوان یک نیروی قدرتمند در جوامع خاورمیانه، همواره نقش مهمی در بسیج، هویت‌سازی و مشروعیت‌بخشی به اقدامات سیاسی و اجتماعی ایفا کرده است. تفسیرهای خاص از دین، به‌ویژه در قالب ایدئولوژی‌های سلفی جهادی، به‌عنوان یکی از عوامل اصلی محرک خشونت‌گرایی عمل کرده است. شدت و چگونگی اعمال این حجم از خشونت پس از دوره‌های تحولی تمدن‌ها در قرون اخیر در سطح جهان از ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی برخوردار شده است. (حسینی و همکاران، 1399: 97). در این راستا، پرسش اصلی این مقاله عبارت است از: چه عوامل مذهبی در شکل‌گیری و گسترش خشونت‌گرایی در شامات در بازه زمانی 2014 تا 2019 نقش داشته‌اند؟

2. پیشینه تحقیق

در حوزه ادبیات و مبانی نظری مرتبط با خشونت‌گرایی، آثار متعددی، به‌ویژه در زمینه خشونت مذهبی و سیاسی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. در این بخش، مروری تحلیلی بر برخی از پژوهش‌های کلیدی ارائه می‌شود که می‌توانند برای درک ریشه‌ها، روندها و پیامدهای خشونت مذهبی مفید باشند. مطالعات فوق‌نشان می‌دهند که خشونت مذهبی به‌عنوان یک پدیده چندوجهی باید از ابعاد گوناگون تاریخی، فکری و اجتماعی مورد تحلیل قرار گیرد. تحلیل دقیق این آثار می‌تواند پایگاه نظری لازم برای فهم بهتر چرایی گسترش خشونت مذهبی، علل و راهبردهای مقابله با آن را ارائه دهد. این پژوهش‌ها، پایه‌ای علمی برای بررسی شکل‌های متنوع خشونت مذهبی در بستر تحولات معاصر جهانی فراهم کرده‌اند.

ریشه‌های خشونت‌گرایی در شامات از سال 2014 الی 2019 (با تکیه بر عوامل مذهبی)!

محمدی - خستو - مقیمی

۱. بنیادگرایی و سلفیه: بازشناسی طیف‌های جریان‌های دینی احمد پاکتچی و حسین هوشنگی (۱۳۹۱) در اثر خود با عنوان «بنیادگرایی و سلفیه: بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی» به تحلیل گسترده‌ای از اندیشه‌های مرتبط با شکل‌گیری خشونت در چارچوب تفکر سلفی پرداخته‌اند. این پژوهش به طور ویژه بر علل و زمینه‌های شکل‌گیری جریان‌های بنیادگرایی دینی و پیوند آن‌ها با خشونت‌گرایی تمرکز دارد. نویسندگان با بررسی جنبه‌های مختلف اندیشه اسلامی و سیاسی، مسائل مرتبط با رشد خشونت در گروه‌های افراطی را تحلیل کرده و نقش مکتب فکری سلفیه را در این میان به طور خاص مورد ارزیابی قرار می‌دهند. از نکات کلیدی این پژوهش، اشاره به نمونه‌هایی از وقایع تاریخی منطقه خاورمیانه برای توضیح روند شکل‌گیری خشونت توسط جریان‌های افراطی است.

۲. جنبش‌های اسلامی معاصر جان اسپوزیتو و جان وال (۱۳۹۸) در کتاب «جنبش‌های اسلامی معاصر» به بررسی نقش این جنبش‌ها در تحولات تاریخی و سیاسی پرداخته‌اند. این اثر با طرح ارتباط اسلام و دموکراسی، تلاش دارد تأثیر گرایش‌های دینی و سیاسی اسلام‌گرایان را بر میزان و نوع خشونت مورد تحلیل قرار دهد. نویسندگان ضمن تشریح تعامل میان اسلام و دموکراسی، سه الگوی اصلی از جنبش‌های اسلامی معاصر را معرفی کرده‌اند و نشان داده‌اند که هر یک چگونه در دگرگونی‌های جوامع اسلامی، نوعی مواجهه با مدرنیته و دولت مدرن داشته‌اند. وجوه مشترک این پژوهش با مطالعه درباره خشونت مذهبی، پرداختن به اندیشه‌های تندروانه‌ای است که از تلاقی فرهنگ اسلامی با شعارهای دموکراتیک حاصل شده و می‌تواند پیامدهایی خشونت‌آمیز به همراه داشته باشد.

۳. مشروعیت‌بخشی به خشونت نزد داعش احمد مهره کش (۱۳۹۶) در پژوهش خود با نام «مبانی مشروعیت‌ساز خشونت‌گرایی در نظام فکری سیاسی داعش» به بررسی پدیده داعش به عنوان نماد رادیکالیسم در خاورمیانه پرداخته است. این پژوهش تأکید زیادی بر زمینه‌های تاریخی و سیاسی دارد که منجر به ظهور داعش شدند، از جمله حمله آمریکا به عراق و افغانستان و پیامدهای ناشی از بحران‌های هویتی در جوامع اسلامی. مهره کش می‌کوشد پیدایش داعش را به عنوان واکنشی رادیکال به بحران‌های منطقه‌ای تبیین کند و توضیح دهد که چگونه این گروه از آموزه‌های دینی برای مشروعیت‌بخشی به خشونت گسترده خود بهره برده است. این پژوهش همچنین به جذب مسلمانان از سراسر دنیا توسط داعش و نقش آن‌ها در تقویت ساختار این گروه پرداخته است.

۴. ریشه‌های تروریسم و خشونت در نظام جهانی

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره 21، شماره 70، بهار 1404

در پژوهش ملک زاده (۱۳۹۵) با عنوان «بازکاوی عوامل خشونت و تروریسم در جهان»، ارتباط میان نظام سرمایه داری جهانی و گسترش خشونت گرایي موردبررسی قرار گرفته است. وی ادعا می کند که بیشتر خشونت های منتسب به اسلام در واقع، نتیجه بهره برداری نظام لیبرال غربی از روایت های تحریف شده دینی است و با اسلام واقعی ارتباطی ندارند. ملک زاده بر این باور است که نظام سرمایه داری با بهره گیری از مکانیسم های نابرابر اقتصادی- سیاسی، زمینه تشدید خشونت در کشورها و گروه های اسلامی را فراهم کرده است.

3. چارچوب نظری

در این پژوهش، از نظریه جنبش های اجتماعی¹ به عنوان چارچوب نظری اصلی برای تحلیل چرایی و چگونگی شکل گیری رفتارهای خشونت آمیز در خاورمیانه استفاده شده است (Elgar & Aitken, n.d). این نظریه که یکی از چارچوب های کلیدی در تحلیل رفتارهای جمعی و اجتماعی است، تلاش دارد فرایند شکل گیری، بسیج و اقدام جنبش های اجتماعی و عواملی که بر موفقیت یا شکست آنها تأثیرگذارند را شناسایی و تحلیل کند. استفاده از این چارچوب نظری در این پژوهش به دلیل ماهیت عملکرد بسیاری از گروه های خشونت گرا در قالب جنبش ها و جریان های اجتماعی در خاورمیانه، به ویژه در مناطق بحران زده مانند عراق و سوریه، از توجیه برخوردار است.

4. نظریه جنبش های اجتماعی: مفاهیم و رویکردها

نظریه جنبش های اجتماعی شامل چندین رویکرد و مفهوم کلیدی است که به عنوان ابزار تحلیلی در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته اند (رضایی و فروتن، 1400: 24). هر کدام از این مفاهیم به طور خاص ابعاد مختلف رفتار و اقدامات اجتماعی که منتج به خشونت می شوند را توضیح می دهند. در ادامه، بخش های اصلی این چارچوب نظری و نحوه به کارگیری آن در تحلیل خشونت مذهبی و سیاسی در خاورمیانه (با تمرکز بر خشونت گروه های افراط گرا بین سال های ۲۰۰۴ تا ۲۰۲۳) بررسی می شوند.

الف. فرصت های سیاسی و ظهور جنبش ها

یکی از مؤلفه های اصلی نظریه جنبش های اجتماعی، فرصت های سیاسی² است. این رویکرد بر این فرض استوار است که جنبش های اجتماعی زمانی بروز و موفق می شوند که با فرصت های سیاسی مشخصی مواجه شوند (رحیمی، 1396: 50). این فرصت ها شامل ضعف در ساختار سیاسی، فروپاشی اقتدار دولت ها، یا شکاف در نظام حکمرانی است که موجب ایجاد فضا برای فعالیت های جنبش ها می شود. در خاورمیانه، رویدادهای مهمی همچون حمله آمریکا به عراق، بهار عربی و فروپاشی دولت های مرکزی در کشورهایی مانند عراق، سوریه، یمن و لیبی، فرصت های سیاسی جدیدی ایجاد

¹ Social Movement Theory

² Political Opportunities

ریشه‌های خشونت‌گرایی در شامات از سال 2014 الی 2019 (با تکیه بر عوامل مذهبی) /

محمدی - خستو - مقیمی

کرد (زارعی و نوروزی، ر 1398: 120). این تحولات، خلأ قدرت و شرایطی بی ثبات به وجود آوردند و دسترسی به ابزارهای خشونت را برای گروه‌هایی همچون القاعده، داعش و سایر جریان‌های افراط‌گرا آسان کردند. همچنین، محدودیت‌های گسترده در آزادی‌های مدنی و سیاسی و فساد سیستمی دولت‌ها در خاورمیانه باعث شد جنبش‌های معترض به ناچار از شیوه‌های خشونت‌آمیز برای رسیدن به هدف‌های خود بهره بگیرند (سلیمانی، 1399: 40).

ب. بسیج منابع و خشونت به عنوان ابزار

رویکرد بسیج منابع¹ بر نقش منابع مادی، انسانی و اجتماعی در موفقیت یک جنبش تأکید دارد. این نظریه به‌طور خاص به توانایی جنبش‌ها در دسترسی به منابع مالی، تسلیحاتی، انسانی و ارتباطاتی برای حمایت از فعالیت‌های خود می‌پردازد. در خاورمیانه، منابع خارجی و حمایت‌های بین‌المللی (مانند حمایت مالی و تسلیحاتی بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ)، نقش بسزایی در تقویت جنبش‌های خشونت‌گرا داشته است. برای مثال، جنگ نیابتی در سوریه میان قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران، عربستان و ترکیه و حمایت‌های بازیگران بین‌المللی مانند روسیه و آمریکا، به رشد و گسترش گروه‌هایی مانند داعش و جبهه النصره کمک کرد (Francis & Taylor ;Sage Journals).

ب. چارچوب‌بندی و مشروعیت‌بخشی به خشونت

چارچوب‌بندی² به معنای چگونگی ارائه و تفسیر رویدادها یا موقعیت‌ها توسط جنبش‌ها جهت جلب حمایت و تبیین مشروعیت اقدامات آن‌ها، از مفاهیم کلیدی نظریه جنبش‌های اجتماعی است. این جنبش‌ها سعی می‌کنند روایت‌هایی بسازند که اقدامات آن‌ها، از جمله اعمال خشونت‌آمیز را قابل توجیه و مشروع جلوه دهد. گروه‌های افراط‌گرای مذهبی مانند داعش و القاعده از چارچوب‌های ایدئولوژیک و مذهبی برای توجیه اقدامات خشونت‌آمیز خود استفاده می‌کردند. داعش، خشونت خود را در قالب «جنگ مقدس» و ضرورت تلاش برای احیای خلافت اسلامی و اجرای قوانین شریعت چارچوب‌بندی می‌کرد. از سوی دیگر، این گروه تأکید داشت که تنها از طریق استفاده از خشونت می‌توان هویت اسلامی را در برابر تهدیدهای مدرنیته، غرب و حکومت‌های محلی بازتعریف کرد (رحیم‌پور و همکاران، 1401).

¹ Resource Mobilization

² Framing

ت. شبکه‌های اجتماعی؛ نقشی کلیدی در بسیج و انتشار خشونت در جنبش‌های

اجتماعی خاورمیانه

در مطالعه جنبش‌های اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی¹ به‌عنوان یکی از عوامل اصلی در شکل‌گیری، هماهنگی و گسترش جنبش‌ها مورد توجه قرار می‌گیرند. این مفهوم به چگونگی ایجاد و بهره‌گیری از شبکه‌های ارتباطی برای هماهنگی کنش‌ها، جذب نیروهای جدید و انتشار ایدئولوژی‌ها توسط جنبش‌های اجتماعی اشاره دارد. در خاورمیانه، جنبش‌های خشونت‌گرا از شبکه‌های اجتماعی به‌ویژه در شکل مدرن و دیجیتال آن، به‌عنوان ابزار مؤثر برای گسترش تفکرات افراطی و بسیج نیروها استفاده کرده‌اند (سلطانی‌نژاد، 1398: 60).

5. روش تحقیق

این پژوهش، از نظر روش‌شناسی، یک تحقیق کیفی (Qualitative Research) است. در این نوع تحقیق، هدف اصلی، درک عمیق و جامع پدیده‌ها است، نه اندازه‌گیری و تعمیم آن‌ها. روش جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، مبتنی بر مطالعه اسناد و مدارک است. این اسناد شامل موارد زیر هستند:

- ❖ گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی و رسانه‌های خبری
- ❖ مقالات علمی و پژوهشی منتشرشده در مجلات معتبر
- ❖ کتاب‌ها و نوشته‌های مربوط به موضوع تحقیق

روش تحلیل داده‌ها در این پژوهش، مبتنی بر تحلیل محتوا (Content Analysis) است. در این روش، محتوای اسناد و مدارک مورد بررسی، به‌صورت منظم و سیستماتیک تحلیل می‌شود تا الگوها، مضامین و مفاهیم کلیدی شناسایی شوند.

6. خشونت

خشونت، پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی است که تعریف دقیق و جامعی از آن دشوار است. با این حال، به‌طور کلی، خشونت را می‌توان به‌عنوان استفاده از زور یا قدرت فیزیکی، کلامی، روانی یا ساختاری تعریف کرد که منجر به آسیب، صدمه، یا محرومیت می‌شود. خشونت، تاریخچه‌ای طولانی در جوامع بشری دارد. از دوران باستان تا به امروز، خشونت همواره به‌عنوان یک ابزار برای دستیابی به اهداف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی مورد استفاده قرار گرفته است. در طول تاریخ، خشونت به اشکال مختلفی ظاهر شده است. برخی از این اشکال عبارت‌اند از (محمدی و همکاران، 1401: 40)

- جنگ: خشونت سازمان‌یافته بین دولت‌ها یا گروه‌های مسلح
- تروریسم: خشونت سیاسی باهدف ایجاد ترس و وحشت در میان مردم
- جنایت: خشونت غیرسیاسی باهدف کسب منافع شخصی

¹ Social Networks

ریشه‌های خشونت‌گرایی در شامات از سال 2014 الی 2019 (با تکیه بر عوامل مذهبی)!

محمدی - خستو - مقیمی

- **خشونت خانگی:** خشونت در داخل خانواده
 - **خشونت جنسی:** خشونت باهدف تحقیر یا کنترل جنسی
 - **خشونت مذهبی:** خشونت باهدف تحمیل یا دفاع از باورهای مذهبی
- خشونت مذهبی، به‌عنوان یکی از اشکال مهم خشونت، در طول تاریخ نقش مهمی در شکل‌گیری جوامع و تمدن‌ها ایفا کرده است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

7. خشونت مذهبی

امروزه جهان با موجی از جنگ و خشونت‌های بی‌پایان مواجه است که گاه به نام دولت و گاه به نام دین توجیه می‌شوند. در سرتاسر رسانه‌ها، بحث‌و‌جدل بر سر منشأ این خشونت‌ها همچنان در جریان است. فضای رسانه‌ای کنونی، با ارجاع خشونت‌ها به دین، کاملاً اشباع‌شده و دین را به‌عنوان یکی از عوامل اصلی خشونت در جهان معرفی می‌کند. تاریخ جنگ‌های مذهبی اروپا در قرون وسطی نمونه‌ای از این ادعاست و امروزه نیز اسلام‌هراسی به یکی از مباحث پرطرفدار تبدیل شده است که چهره‌های رسانه‌ای و حتی بسیاری از صاحب‌نظران در خصوص آن بحث می‌کنند. خشونت مرتبط با دین، یعنی خشونتی که از اعتقادات و نگرانی‌های مذهبی ناشی می‌شود، می‌تواند در قالب‌های گوناگون دیده شود؛ از تخریب مکان‌های مذهبی و آثار مذهبی تا آزار و اذیت افرادی که اعتقادشان با جریان اصلی مخالف است (Christian Caldwell Ames, 2007: 102). این وضعیت در بیزانس قرن دوازدهم مشهود بود، زمانی که برخی گروه‌های داخلی به دلیل بدعت‌گذاری محاکمه و در آتش سوزانده می‌شدند. این وضعیت در اروپای غربی نیز تکرار شد؛ جایی که نه تنها یهودیان و مسلمانان، بلکه مسیحیانی که بدعت‌گذار تلقی می‌شدند نیز تحت آزار و اذیت قرار داشتند. درنهایت، این نوع خشونت به‌صورت نهادی در آمد، زیرا خشونت‌های ابتدایی اوباش مسیر خود را به‌سوی تفتیش عقاید و حتی جنگ‌های صلیبی باز کرد.

دولت‌ها ممکن است از دین به‌عنوان ابزاری برای توجیه و تقویت قدرت خود و استفاده از خشونت بهره‌برداری کنند. چنین ارتباطاتی بر پیچیدگی‌های تاریخی و اجتماعی خشونت مذهبی و نقش دین در منازعات تأثیر می‌گذارد و موجب پیچیدگی بیشتری در تحلیل و فهم این مسائل می‌شود. لذا خشونت مذهبی به مجموعه رفتارها و پدیده‌هایی اطلاق می‌شود که در آن دین به‌عنوان موضوع یا منبع اصلی اقدامات خشونت‌آمیز به کار گرفته می‌شود. همه ادیان بزرگ جهان حاوی روایت‌ها، نمادها و استعاره‌هایی از خشونت و جنگ هستند. خشونت‌های مذهبی اغلب در پاسخ به احکام دینی، متون مقدس یا آموزه‌هایی شکل می‌گیرد که ممکن است به اهداف یا اقدامات مهاجمان و دفاع‌کنندگان مذهبی مرتبط باشند (هزاوه‌ای، ۱۳۸۹: ۲۳). دین مفهومی پیچیده و انتزاعی دارد که خاستگاه آن

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره 21، شماره 70، بهار 1404

مدرنیته غربی است و تعریف آن همچنان در میان اندیشمندان به اجماع علمی نرسیده است. به طور کلی، دین به عنوان یک پدیده انتزاعی، شامل مجموعه ای از اعتقادات، آموزه‌ها و مکان‌های مقدس تلقی می‌شود (عباسی، ۱۳۸۳: ۴۱). باین حال، خشونت مذهبی، برخلاف برداشت ساده، به عنوان یک فرآیند فرهنگی شناخته می‌شود که وابسته به زمینه اجتماعی و تاریخی است و در نتیجه دارای پیچیدگی‌های قابل توجهی است. ساده‌سازی بیش از حد دین و خشونت، اغلب منجر به برداشت‌های نادرست از علل رفتارهای خشونت آمیز و کم توجهی به ندرت وقوع آن‌ها می‌شود. خشونت، برخلاف دیدگاه‌هایی که ممکن است به تأثیر دین تأکید داشته باشند، عموماً به دلایل مختلف ایدئولوژیک رخ می‌دهد و دین تنها یکی از عناصر اجتماعی و سیاسی مؤثر در تحریک خشونت است. به عنوان مثال، مطالعات علمی به کرات نشان داده اند که بسیاری از مواردی که به عنوان نمونه‌های خشونت مذهبی معرفی می‌شوند، عمدتاً ناشی از دشمنی‌های قومی هستند تا جهان‌بینی مذهبی.

ماهیت پیچیده دین و خشونت همچنین باعث می‌شود تشخیص نقش دین به عنوان عامل اصلی خشونت دشوار باشد. دین، به دلیل ساختار انتزاعی و چندلایه خود، گاه در شرایطی نقشی کم رنگ و گاه برجسته در تحریک خشونت ایفا می‌کند. باین حال، تحلیل روابط دین و خشونت تنها از طریق بررسی دقیق زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ممکن است، زیرا بسیاری از موارد خشونت مذهبی، برخاسته از عواملی فراتر از خود دین است (زرگر و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۲). تعریف رابطه میان باور دینی و رفتار انسانی امری پیچیده و دشوار است. طی دهه‌ها، تحقیقات انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی به این نتیجه رسیده اند که رفتارهای انسانی مستقیماً از باورها و ارزش‌های دینی ناشی نمی‌شوند. این بدان معناست که ایده‌ها و ارزش‌های دینی افراد، مانند بسیاری از عناصر دیگر فرهنگ و زندگی، پراکنده، ضعیف مرتبط با یکدیگر و عمیقاً وابسته به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی هستند. به عبارتی، باورهای دینی به خودی خود نمی‌توانند به طور قطعی پیش‌بینی‌کننده رفتار افراد باشند.

ادیان به ندرت خشونت را به عنوان یک هدف ذاتی ترویج می‌کنند. باین حال، در بسیاری از سنت‌های دینی و فرهنگی، تنش‌هایی میان میل به اجتناب از خشونت و پذیرش موارد محدودی از خشونت برای پیشگیری از «شر بزرگ‌تر» وجود دارد. در چنین مواردی، استفاده از خشونت معمولاً با توجیهات اخلاقی یا دینی همراه است و این موضوع در تاریخ بسیاری از ادیان و جوامع قابل‌ردیابی است (نقوی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۶۱). یکی از ادیانی که هم نفوذ گسترده ای در میان پیروانش دارد و هم محل اختلافات فزاینده بوده، اسلام است. اسلام برای پیروان خود نه فقط یک مذهب، بلکه شیوه ای کامل از زندگی به شمار می‌آید. باین حال، دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به این دین وجود دارد. در حالی که مسلمانان آن را راهنمای سعادت و عدالت می‌دانند، بخش‌هایی از جامعه غربی، به ویژه در آمریکا، گاه نگاه‌های منفی به اسلام دارند. این نگاه خصوصاً پس از حمله تروریستی به برج‌های دوقلوی نیویورک در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ شدت یافت. حملات ۱۱ سپتامبر که توسط تروریست‌هایی از کشورهای عربی انجام

ریشه‌های خشونت‌گرایی در شامات از سال 2014 الی 2019 (با تکیه بر عوامل مذهبی) /

محمدی - خستو - مقیمی

شد، آثار عمیقی بر نگرش‌ها نسبت به اسلام در آمریکا و سراسر جهان گذاشت. انگیزه این حملات، به‌نوعی واکنشی به سیاست‌های آمریکا، از جمله حمایت از اسرائیل، مشارکت در جنگ خلیج فارس و حضور نظامی مستمر این کشور در خاورمیانه بود. این حادثه منجر به برانگیخته شدن موجی از ترس و سوءظن نسبت به اسلام شد. در این میان، گروه‌های افراطی از دین به‌عنوان ابزاری برای بیان نارضایتی خود از تصمیمات سیاسی آمریکا استفاده کردند.

با توجه به این تحلیل، می‌توان دریافت که یکی از منابع اصلی تضاد میان نهادهای مذهبی و سیاسی، پتانسیل افراط‌گرایی مذهبی است که امکان بروز خشونت سیاسی را فراهم می‌کند. این در حالی است که بخش عمده‌ای از سنت‌های مذهبی، اصولاً پرهیز از خشونت و ترویج صلح را در هسته آموزه‌های خود جای داده‌اند. یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های درگیری‌ها، ظهور افراط‌گرایی اسلام‌گرا در خاورمیانه است. گروه‌هایی مانند داعش و القاعده از مفاهیم مذهبی برای مشروعیت بخشی به اعمال خشونت‌آمیز خود استفاده می‌کنند. آن‌ها با استناد به تفاسیر خاصی از آموزه‌های اسلامی، اقدام به تروریسم، خشونت علیه غیرنظامیان و تخریب زیرساخت‌های اجتماعی کرده‌اند. این گروه‌ها معمولاً نهادهای سیاسی را نامشروع، فاسد و غرب‌گرا تلقی می‌کنند و هدف خود را سرنگونی این دولت‌ها و جایگزینی آن‌ها با نظام‌های مبتنی بر تفاسیر خود از شریعت می‌دانند. فعالیت این گروه‌ها نه تنها به بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی در منطقه منجر شده، بلکه تأثیرات گسترده‌ای بر امنیت و سیاست جهانی گذاشته است. اقدامات تروریستی این گروه‌ها موجب شده کشورهای مختلف جهان سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تری در قبال خاورمیانه اتخاذ کنند و همچنین دست به تشکیل ائتلاف‌های امنیتی و نظامی برای مقابله با این تهدیدها بزنند. علاوه بر این، ترس از افراط‌گرایی مذهبی به اسلام‌هراسی در بسیاری از نقاط جهان دامن زده و موجب تشدید تنش‌ها شده است. (زرگر و همکاران، 1400:110).

8. سیر تحول خشونت‌گرایی در خاورمیانه

خشونت، به‌ویژه در قالب‌های نوینی مانند تروریسم، از اواخر قرن بیستم و ابتدای قرن بیست و یکم به یکی از چالش‌های بزرگ جهانی تبدیل شده است که تقریباً همه مناطق جهان را تحت تأثیر قرار داده است. در دو دهه اخیر، مناطق مختلف جهان دستخوش تغییرات قابل توجهی در میزان و تمرکز خشونت شده‌اند. در حالی که پیش‌تر مناطق آمریکای لاتین، دریای کارائیب، اروپا و آسیای مرکزی کانون اصلی درگیری‌ها بودند، اکنون جنوب آسیا، خاورمیانه، شمال آفریقا و آفریقای جنوب صحرا جایگزین آن‌ها شده‌اند. براساس مطالعات آماری، بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۰، حملات خشونت‌آمیز به‌طور عمده در این سه منطقه رخ داده است: جنوب آسیا با ۳۵.۲٪ از حملات جهانی، خاورمیانه با ۳۳.۸٪ و آفریقای جنوب صحرا با ۱۳.۷٪ (Bandyopadhyay and Sandler, 2023). این تغییر در تمرکز

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره 21، شماره 70، بهار 1404

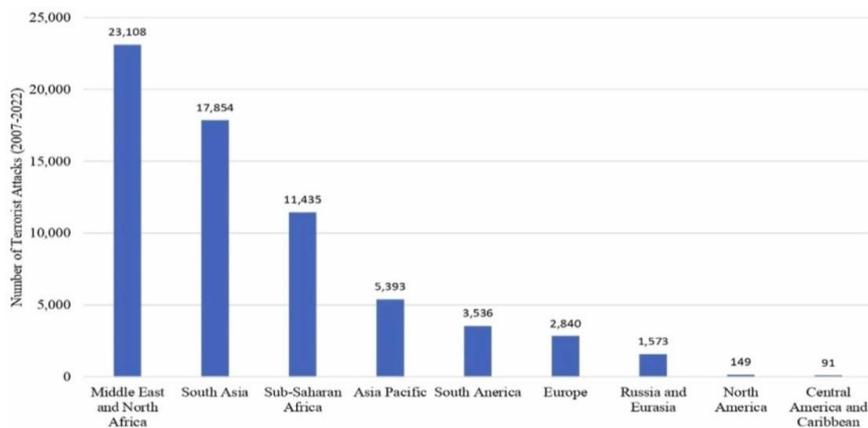
تروریسم میان مناطق گوناگون، نشان دهنده پویایی و تحول این تهدید جهانی است. در سال ۲۰۱۹، طبق شاخص صلح جهانی، خاورمیانه به عنوان کم آرام ترین منطقه جهان شناخته شد. این وضعیت به دلیل کاهش شاخص های مهمی نظیر ایمنی و امنیت، بی ثباتی سیاسی و احتمال وقوع ناآرامی های اجتماعی بوده است. همچنین، ده کشور از پانزده کشوری که کمترین رتبه صلح را دارند، در خاورمیانه و مناطق اطراف آن قرار دارند. براساس گزارش شاخص صلح جهانی در سال ۲۰۲۲، سودان جنوبی، سوریه، یمن، عراق و افغانستان در میان پنج کشور خشن ج هان طبقه بندی شده اند. این آمارها نشان دهنده شدت مشکلات و چالش های امنیتی و سیاسی در این مناطق است.

بسیاری از کشورهای خاورمیانه تحت تأثیر شدید پیامدهای خشونت گرایي مذهبی و تروریسم قرار گرفته اند، به طوری که این پدیده به یکی از چالش های اساسی برای ثبات و امنیت آنان تبدیل شده است. این کشورها با تهدیداتی پیچیده و گسترده مواجه هستند که هم از داخل مرزهایشان سرچشمه می گیرد و هم از خارج از مرزها به آن ها تحمیل می شود. به طور خاص، آمارها نشان می دهد که خاورمیانه در دهه گذشته، بیشترین تعداد اقدامات خشونت آمیز نسبت به سایر مناطق جهان را تجربه کرده است. این مسئله، همان طور که در شکل ۱ نمایش داده شده، بر شدت و استمرار بحران های امنیتی در منطقه دلالت دارد. کشورهای این منطقه با طیف متنوعی از خطرات مواجه هستند. برخی از این تهدیدها به طور مستقیم بر مرزهای ملی تمرکز دارند، مانند حملات فرامرزی یا اقدامات گروه های مسلح در مناطق مرزی. سایر تهدیدات اما از درگیری ها و تعارضات خارج از مرزها سرچشمه می گیرند؛ برای مثال، جنگ ها و درگیری های نیابتی که توسط نیروهای منطقه ای و جهانی در خاورمیانه گسترش یافته اند.

عملیات گروه های تروریستی همچنان در بخش های قابل توجهی از خاورمیانه ادامه داشت. این گروه ها شامل داعش در عراق، سوریه و یمن و همچنین گروه های افراطی دیگری هستند که به شکلی گسترده در کشورهای مختلفی مانند یمن، عراق، لبنان، سوریه، فلسطین و دیگر نقاط فعالیت می کنند. این شبکه های تروریستی، نه تنها به گسترش خشونت و عدم ثبات سیاسی و اجتماعی در بخش های وسیعی از منطقه دامن زده اند، بلکه موجب پیچیدگی بیشتر در چشم انداز امنیتی این منطقه شده اند. چشم انداز خطر در خاورمیانه به شدت پیچیده و پویا است و به طور مداوم در حال تغییر و تحول است. شرایط امنیتی منطقه ای همچنان توسط عوامل متعدد داخلی و خارجی تحت تأثیر قرار می گیرد. این عوامل شامل اختلافات قومی و مذهبی، رقابت های ژئوپلیتیکی قدرت های منطقه ای و جهانی و همچنین استمرار سیاست های اقتدارگرایانه در بسیاری از کشورهای منطقه می شود. مجموع این عوامل، خاورمیانه را به کانونی از تنش های مداوم تبدیل کرده است که عبور از بحران های کنونی را سخت تر و پیچیده تر می کند.

ریشه‌های خشونت‌گرایی در شامات از سال 2014 الی 2019 (با تکیه بر عوامل مذهبی)

محمدی - خستو - مقیمی



شکل 1. وضعیت خشونت‌گرایی در قالب تروریسم در خاورمیانه. منبع: (Statista, 2023).

یکی از مهم‌ترین عواملی که آسیب‌پذیری خاورمیانه را تشدید کرده، وجود مجموعه‌ای از ضعف‌ها و چالش‌های ساختاری در این منطقه است. یکی از این چالش‌ها، ساختارهای سیاسی اقتدارگرا در بسیاری از کشورهای عربی است. این حکومت‌ها اغلب در تضمین نمایندگی عادلانه برای تمام اقشار جامعه، به ویژه اقلیت‌های قومی و مذهبی، ناتوان بوده‌اند. به دلیل نبود نظام‌های سیاسی مشارکتی و عادلانه، خشم عمومی و نارضایتی‌های مدنی مکرراً در منطقه بروز کرده است. در چنین شرایطی، سازمان‌های ستیزه‌جو و گروه‌های افراطی از این شکاف‌های اجتماعی و سیاسی سوءاستفاده کرده و ناآرامی‌های مدنی را به بستری برای گسترش خشونت تبدیل کرده‌اند. علاوه بر این، خاورمیانه از نظر جغرافیایی در تقاطع سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا قرار دارد. این موقعیت استراتژیک، منطقه را به یک کانون رقابت جهانی برای کنترل منابع انرژی، به ویژه نفت و گاز، تبدیل کرده است. این امر موجب شده که قدرت‌های جهانی برای تأمین منافع خود وارد بازی‌های نیابتی و رقابت‌های ژئوپلیتیکی شوند. در عین حال، این رقابت‌ها به سطح محلی نیز نفوذ کرده و موجب تشدید تضادها میان گروه‌های مختلف با منافع متضاد شده است. در نتیجه، فضای منطقه‌ای به شدت قطبی شده و بستری برای افزایش تنش‌ها و درگیری‌ها فراهم آمده است (آذرشب و همکاران، 1397: 48). از سوی دیگر، خاورمیانه با چالش‌های

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره 21، شماره 70، بهار 1404

اجتماعی و اقتصادی بلندمدت نیز روبه رو است که تأثیر مهمی در جذب افراد به ایدئولوژی های افراطی داشته است. فقر، نابرابری، بیکاری گسترده در میان جوانان و نبود فرصت های کافی برای مشارکت در تصمیم گیری های سیاسی و اقتصادی، از جمله عواملی هستند که آتش افراط گرایی را شعله ورتر کرده اند. در چنین فضایی، سازمان های افراطی با استفاده از تبلیغات گسترده و وعده های جذاب، به راحتی می توانند جوانان سرخورده را به خود جذب کنند.

9. ریشه های خشونت گرای مذهبی در شامات (2014-2019)

9.1. فرصت های سیاسی

همان طور که اشاره شد، فرصت های سیاسی نقش مهمی در شکل گیری و گسترش جنبش های اجتماعی، از جمله گروه های خشونت گرا، ایفا می کنند. در شامات، مجموعه ای از عوامل سیاسی، فرصت های مناسبی را برای ظهور و فعالیت گروه های مذهبی خشونت گرا فراهم کردند:

1. ضعف دولت های مرکزی: دولت های سوریه و عراق، قبل از سال 2014، با چالش های جدی مواجه بودند. فساد گسترده، نارضایتی عمومی و سرکوب سیاسی، مشروعیت این دولت ها را تضعیف کرده بود. علاوه بر این، جنگ داخلی سوریه، دولت این کشور را به شدت تضعیف کرده بود و کنترل آن بر مناطق مختلف را کاهش داده بود (ذوالفقاری، 1402: 144).
2. ناآرامی های سیاسی: بهار عربی، موجی از اعتراضات و ناآرامی های سیاسی را در سراسر خاورمیانه به راه انداخت. این ناآرامی ها، فرصت هایی را برای گروه های مختلف، از جمله گروه های مذهبی، فراهم کرد تا مطالبات خود را مطرح کرده و برای دستیابی به اهداف خود تلاش کنند (سلطانی نژاد، 1398: 128).
3. مداخلات خارجی: مداخلات خارجی در سوریه و عراق، به تشدید خشونت ها و بی ثباتی ها کمک کرد. حمایت برخی از کشورها از گروه های مسلح مخالف دولت سوریه و حمایت برخی دیگر از دولت، جنگ داخلی را طولانی تر کرده و فرصت هایی را برای ظهور و فعالیت گروه های خشونت گرا فراهم کرد (ذوالفقاری، 1402: 147).
4. خلاء قدرت: در برخی مناطق سوریه و عراق، به دلیل جنگ و درگیری، خلاء قدرت ایجاد شد. این خلاء قدرت، به گروه های خشونت گرا اجازه داد تا کنترل این مناطق را به دست گرفته و به فعالیت های خود ادامه دهند (سردارنیا، 1399: 103).

9.2. بسیج منابع

گروه های خشونت گرا در شامات، برای دستیابی به اهداف خود، نیاز به منابع مختلف داشتند. این منابع شامل موارد زیر بودند:

ریشه‌های خشونت‌گرایی در شامات از سال 2014 الی 2019 (با تکیه بر عوامل مذهبی)

محمدی - خستو - مقیمی

- **منابع مالی:** گروه‌های خشونت‌گرا، از طریق روش‌های مختلفی، منابع مالی خود را تأمین می‌کردند. برخی از این روش‌ها عبارت بودند از: حمایت مالی از سوی دولت‌ها و افراد خارجی، غارت و سرقت، قاچاق نفت و سایر کالاها و دریافت مالیات از مردم.
- **منابع انسانی:** گروه‌های خشونت‌گرا، برای انجام فعالیت‌های خود، نیاز به نیروی انسانی داشتند. این نیروها، از طریق روش‌های مختلفی جذب می‌شدند. برخی از این روش‌ها عبارت بودند از: جذب نیروهای داوطلب، استفاده از تبلیغات و پروپاگاندا، اجبار و تهدید و جذب کودکان و نوجوانان
- **تسلیمات:** گروه‌های خشونت‌گرا، برای انجام فعالیت‌های نظامی، نیاز به تسلیمات داشتند. این تسلیمات، از طریق روش‌های مختلفی تأمین می‌شدند. برخی از این روش‌ها عبارت بودند از: خرید تسلیمات از بازار سیاه، غارت تسلیمات از ارتش‌ها و نیروهای امنیتی و دریافت تسلیمات از حامیان خارجی (مرکز مطالعات استراتژیک، 1399)
- **حمایت مردمی:** گروه‌های خشونت‌گرا، برای تداوم فعالیت‌های خود، نیاز به حمایت مردمی داشتند. این حمایت، از طریق روش‌های مختلفی جلب می‌شد. برخی از این روش‌ها عبارت بودند از: ارائه خدمات اجتماعی، برقراری امنیت و نظم، استفاده از تبلیغات و پروپاگاندا و تهدید و ارباب (رضوانی و همکاران، 1400: 59)

9.3. چارچوب‌بندی مذهبی

یکی از عوامل اصلی موفقیت گروه‌های خشونت‌گرا در شامات، استفاده از چارچوب بندی مذهبی برای مشروعیت‌بخشی به خشونت خود بود. این گروه‌ها، با ارائه تفسیرهای خاص از اسلام، تلاش می‌کردند تا خشونت خود را به‌عنوان یک وظیفه دینی و یک جنگ مقدس توجیه کنند. برخی از مهم‌ترین عناصر چارچوب‌بندی مذهبی گروه‌های خشونت‌گرا در شامات عبارت بودند از (سردارنیا، 1399: 104):

- 1) تکفیر: گروه‌های خشونت‌گرا، با استفاده از مفهوم تکفیر، مسلمانانی را که با دیدگاه‌های آن‌ها مخالف بودند، مرتد و خارج از اسلام اعلام می‌کردند. این امر، به آن‌ها اجازه می‌داد تا خشونت علیه این افراد را مشروع جلوه دهند.
- 2) جهاد: گروه‌های خشونت‌گرا، با ارائه تفسیر خاصی از مفهوم جهاد، آن را به‌عنوان یک جنگ مسلحانه برای گسترش اسلام و نابودی دشمنان آن تعریف می‌کردند. این امر، به آن‌ها اجازه می‌داد تا خشونت خود را به‌عنوان یک وظیفه دینی توجیه کنند.
- 3) برقراری خلافت: گروه‌های خشونت‌گرا، با هدف برقراری خلافت اسلامی، تلاش می‌کردند تا نظم سیاسی موجود را از بین برده و یک دولت اسلامی بر اساس شریعت ایجاد کنند. این امر،

به آن‌ها اجازه می‌داد تا خشونت خود را به‌عنوان یک ابزار برای رسیدن به این هدف توجیه کنند.

4) دفاع از اسلام : گروه‌های خشونت‌گرا، با ادعای دفاع از اسلام در برابر تهدیدات خارجی و داخلی، تلاش می‌کردند تا حمایت مسلمانان را جلب کنند. این امر، به آن‌ها اجازه می‌داد تا خشونت خود را به‌عنوان یک واکنش به تهدیدات موجود توجیه کنند (سردارنیا، ۱۳۹۹: 111).

9.4. نقش شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی، نقش مهمی در گسترش ایدئولوژی‌های خشونت‌آمیز و بسیج نیرو برای گروه‌های خشونت‌گرا در شامات ایفا کردند. این شبکه‌ها، به گروه‌های خشونت‌گرا اجازه می‌دادند تا با مخاطبان گسترده‌ای ارتباط برقرار کرده و پیام‌های خود را به سرعت منتشر کنند (Morgan, & Berger, 2015). برخی از مهم‌ترین کاربردهای شبکه‌های اجتماعی توسط گروه‌های خشونت‌گرا در شامات عبارت بودند از:

✓ انتشار تبلیغات و پروپاگاندا: گروه‌های خشونت‌گرا، از شبکه‌های اجتماعی برای انتشار تبلیغات و پروپاگاندا استفاده می‌کردند. این تبلیغات، باهدف جذب نیروهای جدید، مشروعیت بخشی به خشونت و ایجاد ترس و وحشت در میان مردم منتشر می‌شدند (Klausen, 2015).

✓ ارتباط با اعضا و حامیان: گروه‌های خشونت‌گرا، از شبکه‌های اجتماعی برای ارتباط با اعضا و حامیان خود استفاده می‌کردند. این ارتباطات، برای هماهنگی فعالیت‌ها، ارائه آموزش‌های نظامی و ایدئولوژیک و تبادل اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گرفتند (Winter et al., 2014).

✓ جذب نیروهای خارجی: گروه‌های خشونت‌گرا، از شبکه‌های اجتماعی برای جذب نیروهای خارجی استفاده می‌کردند. این نیروها، از طریق انتشار پیام‌های جذاب و وعده‌های فریبنده، جذب شده و به شامات منتقل می‌شدند (Hegghammer, 2013).

✓ تأثیرگذاری بر افکار عمومی: گروه‌های خشونت‌گرا، از شبکه‌های اجتماعی برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی استفاده می‌کردند. این تأثیرگذاری، باهدف تضعیف دولت‌ها، ایجاد ناامنی و بی‌اعتمادی و ترویج ایدئولوژی‌های خشونت‌آمیز انجام می‌شد (Awan, 2017).

10. علل شروع و گسترش خشونت‌گرایی

خشونت مذهبی در خاورمیانه یکی از معضلات اساسی این منطقه به شمار می‌آید که ریشه‌های پیچیده و عمیق تاریخی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دارد. این مسئله نه تنها امنیت و ثبات درون منطقه‌ای را به چالش کشیده، بلکه پیامدهای گسترده‌ای در سطح جهانی نیز بر جای گذاشته است. برای شناخت بهتر این پدیده، نیاز است تا به عوامل مختلف آن پرداخته شود:

ریشه‌های خشونت‌گرایی در شامات از سال 2014 الی 2019 (با تکیه بر عوامل مذهبی) /

محمدی - خستو - مقیمی

1. ریشه‌های تاریخی منازعات مذهبی: تاریخ خاورمیانه سرشار از درگیری‌ها و تنش‌های مذهبی میان مذاهب و فرقه‌های گوناگون است. این اختلافات در گذر زمان شدت یافته و در نهایت به خشونت‌های مکرر و خونین منجر شده است (سردارنیا، ۱۳۹۹: ۱۰۱).

2. استعمار و تأثیرات آن: مداخله قدرت‌های استعماری در امور خاورمیانه و ترسیم مرزهای مصنوعی پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی، به افزایش تنش‌های مذهبی و اجتماعی انجامید. این تغییرات زمینه‌ساز ظهور گروه‌های افراطی و تندرو گردید (ذوالفقاری، ۱۴۰۲: ۱۴۴).

3. ظهور اسلام سیاسی: از قرن بیستم، جنبش‌های اسلام سیاسی با رویکردها و تفاسیر گوناگون از دین در منطقه گسترش یافتند. برخی از این جنبش‌ها خشونت را به‌عنوان ابزاری مشروع برای دستیابی به اهداف خود تلقی کردند.

4. حکومت‌های اقتدارگرا: اقتدارگرایی در بسیاری از کشورهای خاورمیانه به سرکوب مخالفان سیاسی و مذهبی منجر شده است. این وضعیت اغلب موجب بروز نارضایتی عمومی و احساس سرخوردگی شده و زمینه را برای گرایش به خشونت‌گرایی مذهبی فراهم کرده است.

5. منازعات ژئوپلیتیکی: رقابت‌های منطقه‌ای و دخالت قدرت‌های جهانی در امور داخلی کشورها، به تشدید تنش‌ها و شکل‌گیری جنگ‌های نیابتی انجامیده است؛ جنگ‌هایی که اغلب با ماهیت مذهبی همراه هستند.

6. فقدان دموکراسی و مشارکت سیاسی: کمبود فرصت‌های مشارکت سیاسی و نبود امکان بیان نظرات مردم درباره سرنوشت خود، نارضایتی گسترده‌ای را به همراه داشته است. این شرایط می‌تواند انگیزه‌ای برای پیوستن افراد به گروه‌های رادیکال و افراطی باشد (ذوالفقاری، ۱۴۰۲: ۱۴۶).

7. فقر و نابرابری: گسترش فقر و وجود نابرابری‌های شدید اقتصادی و اجتماعی، به ویژه در میان جوانان، منجر به احساس ناامیدی و سرخوردگی شده است. این وضعیت افراد را مستعد پذیرش آموزه‌ها و ایدئولوژی‌های افراطی می‌کند.

11. داعش (دولت اسلامی عراق و شام)

داعش، به‌عنوان یکی از خطرناک‌ترین و خشونت‌بارترین گروه‌های تروریستی در جهان، در سال 2014 توانست بخش‌های وسیعی از سوریه و عراق را به تصرف خود درآورد و یک خلافت خودخوانده اعلام کند (McCants, 2015). این گروه، با استفاده از تفسیرهای افراطی از اسلام، خشونت بی‌سابقه‌ای را در منطقه به راه انداخت و جنایات هولناکی را مرتکب شد. ریشه‌های مذهبی داعش را می‌توان در ایدئولوژی سلفیه جهادی جستجو کرد. این ایدئولوژی، با تکیه بر تفسیرهای خاص از قرآن و سنت، خشونت را به‌عنوان یک ابزار مشروع برای رسیدن به اهداف سیاسی و مذهبی توجیه می‌کند. داعش، با

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره 21، شماره 70، بهار 1404

استفاده از این ایدئولوژی، توانست نیروهای زیادی را از سراسر جهان جذب کرده و یک ارتش تروریستی قدرتمند تشکیل دهد (Neumann, 2015). علاوه بر ایدئولوژی، عوامل دیگری نیز در ظهور و گسترش داعش نقش داشتند. از جمله این عوامل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ضعف دولت‌های سوریه و عراق : جنگ داخلی سوریه و ناآرامی های سیاسی در عراق، فرصت‌های مناسبی را برای ظهور و فعالیت داعش فراهم کرد (Lister, 2015).
- حمایت مالی و تسلیحاتی از سوی برخی کشورها و افراد خارجی : داعش، از طریق روش‌های مختلفی، منابع مالی و تسلیحاتی خود را تأمین می‌کرد (Byman, 2016).
- استفاده از شبکه های اجتماعی : داعش، از شبکه های اجتماعی برای انتشار تبلیغات و پروپاگاندا، جذب نیرو و هماهنگی فعالیت‌های خود استفاده می‌کرد.
- تلاش برای برقراری خلافت اسلامی: داعش، باهدف برقراری خلافت اسلامی، تلاش می‌کرد تا نظم سیاسی موجود را از بین برده و یک دولت اسلامی بر اساس شریعت ایجاد کند (Wood, 2015).

12. جبهه النصره (جبهه پیروزی شام)

جبهه النصره، یکی دیگر از گروه های تروریستی فعال در سوریه، در سال 2012 به‌عنوان شاخه‌ای از سازمان القاعده در سوریه تأسیس شد. این گروه، باهدف سرنگونی دولت بشار اسد و برقراری یک دولت اسلامی در سوریه، به فعالیت های خشونت‌آمیز دست زد. جبهه النصره، نیز مانند داعش، از ایدئولوژی سلفیه جهادی برای مشروعیت بخشی به خشونت خود استفاده می‌کرد (حسینی و رضایی، 1398). بااین‌حال، این گروه، در مقایسه با داعش، رویکردی عمل‌گرایانه‌تر داشت و تلاش می‌کرد تا حمایت مردم محلی را جلب کند. در سال 2016، جبهه النصره، به‌طور رسمی از القاعده جدا شد و نام خود را به جبهه فتح الشام تغییر داد. این گروه، پس از جدایی از القاعده، تلاش کرد تا با گروه‌های شورشی دیگر متحد شده و یک ائتلاف قدرتمندتر تشکیل دهد (کریمی، 1400: 170). عوامل مؤثر در ظهور و فعالیت جبهه النصره مشابه داعش بود، با این تفاوت که جبهه النصره بیشتر بر جذب حمایت مردم محلی تمرکز داشت و تلاش می‌کرد تا خود را به‌عنوان یک نیروی مقاومت مردمی در برابر دولت بشار اسد معرفی کند.

13- بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، یافته‌های حاصله حاکی از آن است که پدیده خشونت‌گرایی در منطقه شامات در بازه زمانی 2014 تا 2019، ریشه در عوامل پیچیده و چندلایه‌ای از جمله عوامل مذهبی دارد. در این دوره، تفسیرهای افراطی از متون و منابع دینی توسط گروه های تکفیری و تروریستی نظیر داعش و حامیان ایشان، به‌عنوان مهم‌ترین عامل مشروعیت‌بخش به خشونت، ایفای نقش نموده است. نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش گویای آن است که ایدئولوژی افراطی گروه های نظیر داعش، نقش محوری در تشدید

ریشه‌های خشونت‌گرایی در شامات از سال 2014 الی 2019 (با تکیه بر عوامل مذهبی)

محمدی - خستو - مقیمی

خشونت‌ها در بازه زمانی مورد بررسی ایفا نموده است. هدف قرار دادن اقلیت های مذهبی از جمله شیعیان، ایزدی ها و مسیحیان، از طریق برجسب زنی و اعمالی همچون کشتار، به بردگی جنسی کشاندن و تخریب اماکن مقدس، بخشی از راهبرد نظام مند این گروه ها در راستای حذف هویت های غو حاکم قلمداد می گردد.

در این منابع، مفاهیم و اصول بنیادینی نظیر «خلافت»، «جهاد» و «تکفیر»، با تفاسیر انحرافی و برداشت‌های ناصواب، به ابزاری برای توجیه و مشروعیت بخشی به خشونت تبدیل گردیدند. از دیگر سو، وجود تضادهای فرقه ای و اندیشه ای عمیق و دیرینه میان اهل سنت و اهل تشیع در منطقه مورد مطالعه، به عنوان عاملی کلیدی در تشدید خشونت و گسترش خشونت‌گرایی ایفای نقش نمود. لازم به ذکر است که در این میان، نهادها و مراجع رسمی دینی و صاحب نفوذ، چه در میان عموم مردم و چه در بین گروه‌های خاص سیاسی و اجتماعی، با وجود برخورداری از ظرفیت بالقوه، نتوانستند در برابر این تفسیرها و برداشت های افراطی، موضع گیری مؤثر و قابل قبولی اتخاذ نمایند. این انفعال و عدم کنشگری فعال، به نوبه خود، زمینه را برای گسترش بیشتر افراط‌گرایی و خشونت در منطقه فراهم آورد. منطقه خاورمیانه به ویژه شامات از سالیان بسیار گذشته تاکنون با معضلی به نام بحران هویت و تغییر باورها به خصوص در میان جوانان مواجهه بوده است که همین امر آنان را مستعد پذیرش گفتمان های افراطی کرد. بحران هویتی که به آن اشاره شد، ناشی از عوامل متعددی از جمله شکست دولت-ملت‌ها، فقر فرهنگی و اقتصادی و ناکامی جنبش های اصلاح طلب بود، زمین های حاصلخیز را در اذهان برای پذیرش گفتمان های افراطی فراهم آورد.

عوامل متعددی فراتر از بحران هویت، در گسترش ایدئولوژی های خشونت آمیز در منطقه نقش داشته‌اند. یکی از مهم ترین این عوامل، فقر آموزشی و فقدان نظام های تربیتی کارآمد و صحیح است. این کمبود آموزشی، نه تنها در سطح دانش و مهارت های فنی، بلکه در عرصه تربیت شهروندی و آموزش تفکر انتقادی نیز مشهود بوده و موجب ضعف توانایی تفکر مستقل و آسیب پذیری در برابر ایدئولوژی‌های ساده انگارانه و افراطی شده است. گسترش شبکه های اجتماعی مجازی، درحالی که فرصت‌های ارتباطی و دسترسی به اطلاعات را افزایش داده، به بستری برای تبلیغات گسترده و هدفمند گروه‌های افراطی تبدیل شده است. این گروه ها با بهره گیری از الگوریتم های شبکه های اجتماعی و تکنیک‌های پیشرفته تبلیغاتی، به طور مؤثر افکار افراطی را در میان جوانان ترویج می دهند. علاوه بر عوامل داخلی، مداخلات خارجی نیز نقش بسزایی در تشدید درگیری ها و خشونت ها داشته است. استفاده ابزاری از اختلافات مذهبی و فرقه ای توسط قدرت های خارجی، به منظور پیشبرد اهداف ژئوپلیتیکی خود، به تعمیق بحران و تشدید خشونت‌ها انجامیده است. این مداخلات خارجی، چه

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره 21، شماره 70، بهار 1404

به صورت حمایت آشکار از گروه های افراطی و چه به صورت تحریک و تشدید تنش ها، نقش مهمی در پیچیده تر کردن بحران و تداوم خشونت ها داشته است.

گسترش ایدئولوژی های خشونت آمیز در منطقه، علاوه بر عوامل ذکر شده پیشین، تحت تأثیر عوامل دیگری نیز قرار دارد. یکی از این عوامل، فقدان نظام های آموزشی و تربیتی کارآمد و جامع است. فقر آموزشی نه تنها به معنای کمبود دسترسی به آموزش های رسمی و مهارت های فنی است، بلکه شامل کمبود آموزش های شهروندی، آموزش مهارت های تفکر انتقادی و پرورش روحیه مدارا و همزیستی مسالمت آمیز نیز می شود. این کمبودها، افراد، به ویژه جوانان را نسبت به پذیرش ایدئولوژی های افراطی که با ارائه پاسخ های ساده به پیچیدگی های زندگی، احساس امنیت و هویت کاذب می دهند، مستعد می سازد. گسترش شبکه های اجتماعی مجازی، در کنار فقر آموزشی، به عاملی تشدیدکننده تبدیل شده است. این شبکه ها، در حالی که فرصت های دسترسی به اطلاعات و ارتباطات را افزایش داده اند، به ابزاری کارآمد برای گروه های افراطی در جهت تبلیغ و گسترش ایدئولوژی های خشونت آمیز نیز تبدیل شده اند. استفاده از الگوریتم های شبکه های اجتماعی و تکنیک های پیشرفته تبلیغاتی، باعث افزایش کارایی این ابزار در نفوذ به مخاطبان و ترویج افکار افراطی شده است. در کنار عوامل داخلی، مداخلات خارجی نیز به طور قابل توجهی در تشدید درگیری ها و خشونت ها نقش داشته اند. بهره برداری ابزاری از اختلافات مذهبی و فرقه ای توسط قدرت های خارجی، به منظور دستیابی به اهداف ژئوپلیتیکی، به پیچیده تر شدن بحران و تشدید چرخه خشونت منجر شده است. این مداخلات، چه به صورت حمایت مستقیم از گروه های افراطی و چه به صورت سیاست های منطقه ای تفرقه افکنانه، به طور چشمگیری در تداوم و گسترش خشونت ها در منطقه مؤثر بوده است. در نهایت، بررسی این عوامل نشان می دهد که گسترش خشونت در منطقه، حاصل تعامل پیچیده عوامل داخلی و خارجی است و نیازمند رویکردی چندوجهی برای حل آن می باشد.

تحلیل داده ها نشان می دهد که اختلافات فرقه ای، به ویژه میان اهل سنت و شیعیان، نقش تعیین کننده ای در تشدید خشونت ها در منطقه داشته است. این شکاف های مذهبی، با ریشه های تاریخی عمیق، توسط بازیگران داخلی و خارجی (همان گونه که پیش تر اشاره شد) به ابزاری برای پیشبرد اهداف سیاسی و ژئوپلیتیکی تبدیل شده اند. استفاده ابزاری از نمادهای و مفاهیم مذهبی برای بسیج توده ها و توجیه خشونت، به طور چشمگیری به تشدید درگیری ها کمک کرده است. در این میان، نهادهای دینی رسمی، در مواجهه با این موج افراط گرایی، به طور کلی ناکارآمد ظاهر شده اند. یا به دلیل ضعف ساختاری و فقدان اقتدار لازم، نتوانسته اند در مقابل تفاسیر انحرافی از متون دینی و اقدامات خشونت آمیز گروه های افراطی موضع گیری قاطعانه ای اتخاذ کنند و یا در برخی موارد، به دلیل روابط پیچیده سیاسی و یا نفوذ گروه های افراطی، واکنشی انفعالی و محافظه کارانه از خود نشان داده اند.

ریشه‌های خشونت‌گرایی در شامات از سال 2014 الی 2019 (با تکیه بر عوامل مذهبی) /

محمدی - خستو - مقیمی

بنابراین، پژوهش حاضر به این نتیجه قطعی می‌رسد که خشونت مذهبی در منطقه، حاصل تعامل پیچیده و چندلایه عوامل داخلی و خارجی است. عوامل داخلی، از جمله شکاف‌های فرقه‌ای عمیق، فقر آموزشی و فرهنگی و ناکارآمدی نهادهای دینی، با عوامل خارجی، از جمله مداخلات قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای و بهره‌برداری سیاسی از اختلافات مذهبی، در تعامل متقابل قرار گرفته و به شدت و تداوم خشونت‌ها دامن زده‌اند. تبیین این پدیده پیچیده، نیازمند درک دقیق و همه‌جانبه‌ای این تعاملات و رویکردی چندوجهی برای حل‌وفصل آن است. با عنایت به داده‌های حاصل از پژوهش، به‌منظور عینیت‌بخشی به نتایج و کاربردی‌سازی یافته‌ها، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌گردد. لازم به ذکر است که دستیابی به ثبات پایدار در منطقه مستلزم ایجاد سازوکارهای هماهنگی و تعامل بین دولت‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و نهادهای بین‌المللی می‌باشد.

1. تجدیدنظر در سیستم‌های آموزشی منطقه برای ترویج دیدگاه‌های متعادل نسبت به دین
2. تقویت گفتمان‌های دینی میانه‌رو و ایجاد نهادهای دینی جامع
3. افزایش گفت‌وگوهای بین‌ادیان با همکاری رهبران مذهبی معتدل برای کاهش کلیشه‌ها
4. اصلاح قوانین تبعیض‌آمیز علیه اقلیت‌ها و تضمین حقوق برابر شهروندی
5. تقویت نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد جهت ترویج تسامح
6. نظارت بیشتر بر محتوای شبکه‌های اجتماعی و مقابله با تبلیغات خشونت‌آمیز
7. تقویت حکمرانی مطلوب و کاهش فساد در کشورهای منطقه
8. توسعه برنامه‌های رسانه‌ای برای مقابله با تبلیغات افراط‌گرایان
9. تقویت حکمرانی مطلوب و کاهش فساد در منطقه
10. ایجاد فضایی برای گفت‌وگوی بین‌مذهبی و کاهش تنش‌های فرقه‌ای
11. بهبود وضعیت اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی برای جوانان
12. همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای مقابله با گروه‌های افراطی
13. نظارت دقیق‌تر بر محتوای شبکه‌های اجتماعی و مقابله با تبلیغات خشونت‌آمیز
14. حمایت از پژوهش‌های علمی پیرامون ریشه‌های افراط‌گرایی

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره 21، شماره 70، بهار 1404

منابع

1. آذرشب، محمدتقی؛ مومنی، سیدمحمدجواد؛ خالدی، احسان (1397)، تحلیل و بررسی خصائل امنیتی در منطقه خاورمیانه، فصلنامه مطالعات آسیای جنوب غربی، سال اول، شماره 4.
2. اسپوزیتو، جان. ال؛ اول، جان (1398)، جنبش‌های اسلامی معاصر، مترجم: شجاع احمدوند، نشر نی، چاپ نهم.
3. پاکتچی، احمد؛ هوشنگی، حسین (1391)، بنیادگرایی و سلفیه بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی، نشر دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
4. حسینی، سیدرسول؛ میری، سیدجواد؛ ابطحی، سیدمصطفی؛ پولادی، کمال (1399)، روان‌شناسی اجتماعی پیدایش گروه‌های تکفیری در عراق، جستارهای سیاسی معاصر، سال 11، ش 3.
5. حسینی‌شیرازی، محمد (1393)، نفی خشونت در اسلام، مترجم: محمد علی سلطانی، نشر جلال‌الدین.
6. حسینی، م؛ رضایی، ا (1398)، تحلیل گروه‌های تروریستی در سوریه: مطالعه موردی جبهه النصره، پژوهشگاه مطالعات منطقه‌ای.
7. ذوالفقاری، اکبر؛ عشایی، طاهر (1402)، ریشه‌ها و علل خشونت سیاسی در خاورمیانه، فصلنامه راهبرد سیاسی.
8. رحیمی، ع (1396)، تحلیل فرصت‌های سیاسی در جنبش‌های اجتماعی خاورمیانه: مطالعه موردی بهار عربی، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام.
9. رحیم‌پور، صادق؛ کرم‌پور، نعمت‌اله؛ جلالی، سعید (۱۴۰۱). بررسی موردی: رشد اسلام سیاسی در جهان اهل سنت.
10. رضایی، م؛ فروتن، ع (1400)، نقش ایدئولوژی در خشونت گروه‌های افراط‌گرا: مطالعه موردی داعش، مجله علوم سیاسی، 15.
11. رضوانی، ا؛ محمدی، ح؛ کریمی، س (1400)، روش‌های تأمین منابع مالی گروه‌های تروریستی: مطالعه موردی سوریه و عراق، فصلنامه مطالعات امنیت ملی، ۱۲ (۳).
12. زارعی، م؛ نوروزی، ا (1398)، نقش خلأ قدرت در گسترش افراط‌گرایی: بررسی موردی داعش در عراق و سوریه، مجله مطالعات امنیت ملی.
13. زرگر، علی اصغر؛ مقصودی، مجتبی؛ نادرپور، بابک؛ گیوری، تورج (1400)، بررسی عوامل مؤثر بر گسترش گروه‌های رادیکال قومی-مذهبی در ایران، فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال هفدهم، تابستان، ش 56.
14. سردارنیا، خلیل‌الله (1399)، خشونت‌های قومی-مذهبی در خاورمیانه عربی از منظر بحران دولت-ملت‌سازی، مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام.
15. سلطانی‌نژاد، محمد (۱۳۹۸)، شبکه‌های اجتماعی و جنبش‌های خشونت‌گرا در خاورمیانه، فصلنامه مطالعات خاورمیانه.

ریشه‌های خشونت‌گرایی در شامات از سال 2014 الی 2019 (با تکیه بر عوامل مذهبی) /

محمدی - خستو - مقیمی

- 16 سلیمانی، ر (1399). فساد سیستماتیک و خشونت سیاسی در خاورمیانه : چارچوبی بر اساس نظریه جنبش‌های اجتماعی، پژوهشنامه علوم سیاسی.
- 17 عباسی، ولی‌الله (1383)، نظریه دین حداکثری: درآمدی بر قلمرو گسترده دین از نظر استاد مطهری، اندیشه‌های فلسفی در ایران معاصر، شماره سی.
- 18 علیخانی، علی‌اکبر (1398)، اسلام و خشونت در جهان اسلام: از زمینه‌های نظری تا اقدامات عملی، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، زمستان.
- 19 کریمی، ع؛ مقیمی، ک. (۱۴۰۰)، تأثیر تحولات جبهه‌النصره (جبهه فتح الشام) بر وضعیت امنیتی سوریه، فصلنامه سیاست جهان.
- 20 محمدی، ر؛ فتحی، ع؛ نجفی، م (1401)، گونه‌شناسی خشونت در جوامع معاصر: تحلیل مفهومی و تاریخی، فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۱۱ (۲).
- 21 مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه (1399)، تحلیل منابع انسانی و تسلیحاتی گروه‌های تکفیری در خاورمیانه، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی.
- 22 ملک‌زاده، محمد (1395)، بازکاوی عوامل خشونت و تروریسم در جهان، فصلنامه سیاست، دوره 46، شماره دوم، تابستان.
- 23 مهره‌کش، احمد (1396)، مبانی مشروعیت ساز خشونت‌گرایی در نظام فکری سیاسی، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- 24 نقوی، علی، معارف، مجید (1402)، نقد مبانی افراط‌گرایی دینی و بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار تربیت اسلامی در مهار و تعدیل آن، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی.
- 25 هزاوه‌ای، محمدرضا (1389)، معناشناسی خشونت، فصلنامه کتاب زنان، شماره بیست و سوم.

26. Awan, I. (2017). **Cyber-extremism: Isis and the power of social media**. Society, 54(2).
27. Bandyopadhyay, Subhayu & Sandler, Todd (2023). **Voluntary Participation in a terror group and counterterrorism policy**, Joornal of Econimic Behavior & Organization, Elsevier, vol, 215.
28. Byman, D. (2016). **Al Qaeda, the Islamic State, and the global jihadist movement: What everyone needs to know**. Oxford University Press.
29. CALDWELL, R. Agency and change (2007) **re-evaluating foucault's legacy**. Organization, 14(6).
30. Elgar, F. J. & Aitken, N. (n.d). **Social movement theory in the context of violence: Understanding collective action**. Journal of Social Behavior
31. Harvard Divinity School. (2018). **Does religion cause violence?** Harvard Divinity Bulletin. Retrieved

32. Hegghammer, T. (2013). **Should I stay or should I go? Explaining variation in Western jihadists' choice between domestic and foreign fighting.**
33. Journal of Religion and Violence. (2013). **The Journal of Religion and Violence is a scholarly publication devoted to the interdisciplinary study of religion and violence.** Philosophy Documentation Center
34. Klausen, J. (2015). **Tweeting the Jihad: Social media networks of Western foreign fighters in Syria and Iraq.** Studies in Conflict & Terrorism, 38(1).
35. Lister, C. R. (2015). **The Syrian jihad: Al-Qaeda, the Islamic State and the evolution of an insurgency.** Oxford University Press.
36. McCants, W. (2015). **The ISIS apocalypse: The history, strategy, and doomsday vision of the Islamic State.** St. Martin's Press.
37. Neumann, P. R. (2015). **Victims, perpetrators, assets: The narrative of Islamic State.** ICSR.
38. Winter, C. Neumann, P. Meleagrou-Hitchens, A. Ranstorp, M. Vidino, L. & Fürst, J. (2014). **Online extremism: The use of the internet by violent extremist groups.**
39. Wood, G. (2015). **What ISIS really wants.** The Atlantic, 315(2), 78-9.